

گزارش «وقایع اسرائیلیه» از نهادی که از زمان قیمومیت فلسطین تا الان نقشی راهبردی در تحکیم رژیم اسرائیل داشته است

کالبد شکافی آژانس یهود



محمد صادق علیزاده

آژانس یهود که یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های یهودی در جهان به شمار می‌آید، در سال ۱۹۲۹ در نیویورک به عنوان شاخه عملیاتی سازمان جهانی صهیونیسم (WZO) تأسیس شد. مأموریت اصلی اعلام‌شده آن این بود که «اطمینان حاصل کند که هر فرد یهودی، بدون توجه به اینکه در کجای جهان زندگی می‌کند، پیوند ناگسستنی با یکدیگر و اسرائیل

احساس کند.» هدف بنیادین این نهاد، گردآوری کمک‌های مالی از یهودیان غیرصهیونیست برای حمایت از پروژه ایجاد «خانه ملی یهودیان» در فلسطین بود. با این حال، جایگاه حقوقی آژانس یهود فراتر از یک سازمان غیردولتی ساده بود. این نهاد در ماده ۴ و ماده ۶ سند قیمومیت بریتانیا بر فلسطین که در سال ۱۹۴۰ توسط شورای عالی متفقین به تصویب رسید، به رسمیت شناخته شد. در این سند، آژانس به عنوان یک «نهاد عمومی مناسب» برای ارائه مشاوره

و همکاری با مقامات قیمومیت در مورد مسائل اقتصادی، اجتماعی و سایر امور مرتبط با «تأسیس خانه ملی یهودیان» تعیین شد. این شناسایی رسمی، به آژانس یهود یک مشروعیت و اقتدار بی‌سابقه بخشید که آن را از سایر سازمان‌ها متمایز کرد. این نهاد نه تنها یک رابط بود، بلکه عملاً نقش یک دولت در حال تکوین یا «دولت در سایه» برای جامعه یهودی فلسطین را ایفا کرد. این عملکرد پایه‌های ساختار دولتی آینده را بنا نهاد.

فعالیت‌های پیش از ۱۹۴۸

در طول دوران قیمومیت بریتانیا اصلی‌ترین وظیفه آژانس یهود، تشویق و مدیریت مهاجرت یهودیان دیاسپورا به سرزمین فلسطین بود که به عنوان «آلیا» شناخته می‌شود. این سازمان همچنین وظیفه نظارت بر ادغام مهاجران جدید و اسکان آن‌ها را بر عهده داشت. آژانس در دوران قیمومیت بریتانیا، به صورت فعال در تغییر بافت جمعیتی و اقتصادی سرزمین فلسطین نقش داشت. برای مثال، در سال ۱۹۲۸، کمیته آژانس که متشکل از متخصصان بود، داده‌هایی در مورد تأمین نیازهای اولیه و رشد شهرک‌ها ارائه داد و یک «بانک اطلاعاتی عظیمی از منابع خاکی، آبی و معدنی فلسطین» گردآوری

کرد. این فعالیت فراتر از مدیریت صرف مهاجرت بود و نشان دهنده یک برنامه‌ریزی استراتژیک و بلندمدت برای حاکمیت بر سرزمین بود. گردآوری این نوع داده‌های استراتژیک، از ویژگی‌های یک دولت در حال برنامه‌ریزی برای آینده است، نه یک سازمان خیریه. این اطلاعات به آژانس امکان داد تا به صورت هدفمند و با دقت بالا، در مورد مکان‌های مناسب برای شهرک‌سازی، توسعه کشاورزی و بهره‌برداری از منابع طبیعی تصمیم‌گیری کند و بدین ترتیب زیرساخت‌های یک دولت آینده را در زمینه‌های اقتصادی و منابع طبیعی بنا نهاد.

فعالیت‌های آژانس به فلسطین محدود نمی‌شد و شعب آن در کشورهای دیگر نیز فعال بودند. به عنوان نمونه‌ای بارز، آژانس یهود با موافقت رسمی و حتی همکاری دولت پهلوی در ایران فعالیت می‌کرد. نمایندگان این سازمان صهیونیستی در ایران با مقامات بلندپایه دولتی از جمله حسین علاء، وزیر دربار و شخص محمدرضا پهلوی ملاقات و گفت‌وگو می‌کردند. این دفتر علاوه بر تسهیل مهاجرت و جمع‌آوری کمک مالی به ترویج و تبلیغ اندیشه صهیونیستی در میان جامعه یهود ایران نیز می‌پرداختند و به جوانان یهودی زبان عبری، تاریخ اسرائیل و دانستنی‌های سرزمین فلسطین را آموزش می‌دادند.

نقش در تأسیس رژیم صهیونی

نقش آژانس یهود در شکل‌گیری رژیم اسرائیل به قدری محوری بود که رهبران آن مستقیماً در تأسیس دولت نقش داشتند. در ۱۴ مه ۱۹۴۸، دیوید بن گوریون که در آن زمان رئیس آژانس یهود بود تأسیس رژیم اسرائیل را اعلام کرد. این اقدام نمادی از انتقال رسمی قدرت از یک نهاد شبه دولتی به یک دولت رسمی بود. کمیته اجرایی آژانس یهود در سال ۱۹۴۸ به دولت موقت تبدیل شد و هاگانا که شبه نظامیان یهودی بودند، به ارتش دفاعی اسرائیل تغییر نام داد. این دگردیسی نهادی، پیوستگی سازمانی و انتقال پروتکتیک از یک نهاد شبه دولتی به یک دولت واقعی را نشان می‌دهد و

تأکید می‌کند که آژانس نه تنها بستر ساز، بلکه بنیان‌گذار ساختارهای حکومتی جدید بود. پس از اعلام تأسیس در سال ۱۹۴۸، دولت تازه تأسیس اسرائیل وظایف حاکمیتی را که پیش از این توسط آژانس یهود انجام می‌شد، بر عهده گرفت. این انتقال مسئولیت‌ها، تمایز میان آژانس (به عنوان یک سازمان جهانی) و دولت (به عنوان یک نهاد ملی) را ایجاد کرد. مهم‌ترین سند در تعیین جایگاه جدید آژانس، قانون «وضعیت سازمان جهانی صهیونیسم-آژانس یهود» بود که در سال ۱۹۵۲ توسط پارلمان اسرائیل به تصویب رسید. این قانون، آژانس را به عنوان «نهاد رسمی مجاز»

برای ادامه فعالیت در زمینه‌هایی چون توسعه و اسکان، جذب مهاجران از دیاسپورا و هماهنگی فعالیت‌های نهادهای یهودی در اسرائیل به رسمیت شناخت. دولت اسرائیل به جای اینکه تمام وظایف را به دست بگیرد، بخشی از وظایف اصلی و بنیادین خود (مانند جذب مهاجران و توسعه خود) را به یک نهاد خارجی واگذار کرد که از نظر مالی به دولت وابسته نیست. این وضعیت یک مدل حکمرانی منحصربه‌فرد را ایجاد می‌کند؛ یک هم افزایی نهادی که در آن دولت برای تثبیت و رشد خود به منابع مالی و نفوذ بین‌المللی یک سازمان غیردولتی - نیمه دولتی متکی است.

سازماندهی مجدد و منابع مالی

ساختار سازمانی آژانس یهود نیز در دهه‌های بعدی دست خوش تغییر شد. این نهاد در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۱ تجدید سازمان یافت و ساختار مدیریتی جدیدی شامل مجمع عمومی، هیئت مدیره و مدیران اجرایی به خود گرفت. مجمع عمومی ۳۴۰ عضو دارد که نیمی از آن‌ها منتخب سازمان جهانی صهیونیسم و نیمی دیگر نماینده جوامع یهودی در مناطق مختلف جهان هستند. این سازماندهی مجدد، وابستگی مالی عمیق آژانس به یهودیان دیاسپورا را تثبیت کرد. بودجه سالانه آژانس به صورت اساسی از طریق کمک‌های جمع‌آوری شده توسط فدراسیون‌های یهودی آمریکای شمالی و بنیاد خیریه «آکرن‌هی سود» از یهودیان جهان تأمین می‌شود. این ساختار مالی، وابستگی دوطرفه بین دولت اسرائیل و یهودیان دیاسپورا را ایجاد می‌کند. دولت اسرائیل برای اهداف حیاتی خود به منابع مالی آژانس وابسته است، درحالی‌که آژانس برای اجرای مأموریت خود به کمک‌های مالی یهودیان جهان نیاز دارد. این مدل، مکانیسمی برای نفوذ متقابل و پیوند دهنده را ایجاد می‌کند.

آژانس یهود در عصر معاصر (دهه ۱۹۷۰ تا امروز)

در دوران معاصر، آژانس یهود با حفظ ساختار سازمانی خود، برنامه‌هایش را فراتر از مهاجرت فیزیکی گسترش داده است. مجمع عمومی و هیئت مدیره آن ترکیبی از نمایندگان سازمان جهانی صهیونیسم و جوامع یهودی از سراسر جهان هستند. این ترکیب سازمانی، پیوند ساختاری آژانس با نهاد‌های سیاسی و اجتماعی اسرائیل و دیاسپورا را نشان می‌دهد. برنامه‌های فعلی آژانس نشان می‌دهند که مأموریت آن از یک تمرکز صرفاً بر انتقال

فیزیکی «یهودیان به یک رویکرد جامع‌تر برای «تقویت پیوندهای فرهنگی، آموزشی و هویتی» با یهودیان جهان تغییر یافته است. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: شلوخیم (Emisaries)، اعزام فرستادگان اسرائیلی به جوامع یهودی در سراسر جهان، در دانشگاه‌ها، اردوگاه‌ها و غیره برای تقویت هویت یهودی و پیوند با اسرائیل. Partnership ۲ Together: ایجاد پیوندهای عمیق بین جوامع یهودی در اسرائیل و

دیاسپورا از طریق مشارکت‌های شهر به شهر و منطقه به منطقه. Youth Aliyah: برنامه‌های مهاجرت و آموزش برای جوانان در معرض خطر. این برنامه‌ها نشان می‌دهند که آژانس خود را با واقعیت‌های جدید جهانی که در آن نرخ مهاجرت به اسرائیل لزوماً بالا نیست، تطبیق داده است. این تغییر رویکرد بر این ایده استوار است که حتی اگر یهودیان در اسرائیل زندگی نکنند، باید پیوند هویتی و عاطفی خود را با آن حفظ کنند.